

بررسی ایمان متعدی به حرف «لام» در ترجمه‌های فارسی قرآن

حسین نقوی^{۱*}، اسماعیل علی‌خانی^۲

۱- استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران

۲- استادیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱۰

چکیده

ترجمه قرآن نیز مانند هر ترجمه دیگر باید مشتمل بر اصول ترجمه باشد. با وجود تلاش فراوان مترجمان قرآن به زبان فارسی، مشکلاتی در ترجمه‌ها مشاهده می‌شود. یکی از واژگانی که ترجمه‌اش نیاز به دقت دارد، واژه «ایمان» است. این واژه و مشتقاتش در قرآن کریم به دو صورت متعدی به «باء» و متعدی به «لام» به کار رفته است. لغت‌شناسان و مفسران شیعه و سنی با بررسی معنای ایمان متعدی شده به «لام»، اقوال مختلفی را درباره آن بیان کرده‌اند. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی، با تأمل و تدبیر در کاربردهای قرآنی واژه ایمان با «لام» و مقایسه آن با کاربردهای ایمان با «باء» در ۲۸ ترجمه فارسی از قرآن، و نیز با مراجعه به کتب لغوی و تفسیری قرآن کریم، نشان داده است که به جز تعداد اندکی از ترجمه‌ها، سایر آنها از دقت لازم برخوردار نیستند و ترجمه درستی ارائه نکرده‌اند. حاصل این نوشتار این است که ایمان با «باء» به معنای ایمان مطلق و مقابل کفر است و ایمان با «لام» به معنای تصدیق و انقیاد؛ چیزی که در فارسی ترجمه آن به اعتماد راسخ‌تر است.

واژگان کلیدی: نقد ترجمه قرآن، ایمان متعدی به «باء»، ایمان متعدی به «لام»، تصدیق، اعتماد

۱- مقدمه

ترجمه عمل انتقال یک متن یا گفتار از یک زبان به زبان دیگر است. در ترجمه ما با دو زبان مبدأ و مقصد سر و کار داریم. در این فن، تسلط بر اصول ساختاری زبان مبدأ و نحوه ارائه آن به زبان مقصد بسیار حائز اهمیت است. زبان شامل سه لایه شکل، معنا و هدف است که توجه به هر سه در ترجمه ضروری است. شکل شامل ساختارهای آوایی، لغوی و گرامری زبان است. معنا مربوط به مفاهیم و احساساتی است که نویسنده قصد دارد به خواننده انتقال دهد و هدف همان پیام مورد نظر نویسنده است. اولین مرحله در ترجمه، تحلیل و تفسیر زبان مبدأ و بررسی این سه لایه است. در مرحله دوم باید متنی جدید ایجاد کرد که پیام نویسنده را به بهترین وجه در زبان مقصد به مخاطب القا کند.

قرآن نیز که دارای متنی عربی است، نیازمند ترجمه به زبان‌های دیگر است. در این ترجمه نیز باید اصول ترجمه رعایت شود. برخی از بزرگان علوم قرآنی برای ترجمه قرآن شرایطی را بیان کرده‌اند، نظیر این که مترجم باید معنای جمله را به طور دقیق بفهمد؛ با بررسی جمله‌های متن اصلی، واژه‌ها و روابط موجود میان آنها را تحلیل کند و معنای اصلی و ضمنی آنها را از یک‌دیگر جدا سازد؛ در ساختار ترکیبی جمله دقت به عمل آورد؛ به هر دو زبان چیره باشد و با ویژگی‌های کلامی هر دو زبان کاملاً آشنا باشد؛ معنای آیه را با توجه به تفاسیر معتبر و مورد اطمینان به دست آورد و به برداشت خویش، که بر حسب فهم عادی و یا شناخت لغات است، اکتفا نکند (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۵۰-۱۴۹).

با وجود تلاش فراوان مترجمان قرآن به زبان فارسی، مشکلاتی در ترجمه‌ها مشاهده می‌شود. یکی از واژگان قرآن که مترجمان در ترجمه آن دقت کافی نداشته‌اند، ترجمه کلمه «ایمان» و مشتقات آن، هنگام متعدی شدن با «لام» است. این مشتقات متعدی به «لام» ۲۱ بار در قرآن به کار رفته‌اند. نوشتار حاضر با بررسی کاربردهای بیست‌ویک‌گانه این واژه در ۲۸ ترجمه موجود در نرم افزار جامع تفاسیر نور ۳، چگونگی عملکرد مترجمان در ترجمه این عبارت را مورد بررسی قرار خواهد داد. این نوشتار در گام نخست بیان کرده است که اهل لغت بر این باورند که معنای لغوی ایمان، تصدیق است ولی تمایز دقیقی میان ایمان متعدی

به «باء» و ایمان متعدی به «لام» قائل نشده‌اند و در گام بعدی با بررسی دیدگاه مفسران نشان داده است که غالب مفسران به این متمایل هستند که ایمان متعدی به «لام» معنای تصدیق دارد و برخی از آنان نیز بر این باورند که ایمان متعدی به «باء» به معنای ایمان مصطلح و ایمان متعدی به «لام» به معنای تصدیق است که دیدگاه برگزیده این نوشتار نیز همین است که این مطلب در گام بعدی بیان شده است و پس از تثبیت این امر در گام نهایی با بررسی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم نشان داده شده است که برخی از ترجمه‌ها و آن هم نه به صورت کامل ایمان متعدی با «لام» را دقیق ترجمه کرده‌اند.

۱-۱- پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های مقاله عبارتند از:

- ۱- معنای صحیح واژه ایمان متعدی به «لام» چیست؟
- ۲- تمایز معنای ایمان متعدی به «لام» با ایمان متعدی به «باء» چیست؟
- ۳- میزان دقت مترجمان قرآن کریم به تمایز معنایی ایمان متعدی به «لام» با ایمان متعدی به «باء» تا چه حدی است؟

۲-۱- پیشینه پژوهش

آنچه در زمینه پیشینه این پژوهش می‌توان گفت این است که با توجه به جستجویی که در سایت‌های مرتبط به مقالات و کتب و پایان‌نامه‌ها نظیر سایت علم نت و نورمگز و امثال آن انجام شد، نوشته‌هایی یافت شد که به معنا، محتوا، حقیقت و متعلق ایمان و به عبارت دیگر، تعریف اصطلاحی آن و نیز مباحث کلامی، فلسفی و روان‌شناختی مرتبط با ایمان پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، نوشتار «ساختار معنایی ایمان در قرآن» با استفاده از روش «معناشناسی»، معنای ایمان بر اساس گزاره‌های حاصل از آیات قرآن را تجزیه و تحلیل کرده است و نوشتار «چیستی ایمان در قرآن کریم» به روش تحلیل محتوای کیفی دیدگاه قرآن در باب چیستی ایمان را به شیوه مستند، مستدل و متن‌محور و با روش تحلیل محتوای کیفی

استخراج، گزارش و تحلیل کرده است و نوشتار «پرسش‌ها و پژوهش‌های بایسته قرآنی در زمینه ایمان» تعریف و حقیقت ایمان، نقش گناه در زوال ایمان، درجات ایمان و امثال آن را بررسی کرده است. چنان‌که پیداست، این مقالات مربوط به بررسی محتوایی و معنایی واژه ایمان هستند و به پژوهش این نوشتار درباره معنای واژه ایمان و مشتقات آن، آن‌گاه که با «لام» متعدی می‌شوند، اشاره‌ای ندارند.

۲- دیدگاه اهل لغت درباره معنای ایمان متعدی به «باء» و ایمان متعدی به

«لام»

واژه ایمان از ریشه «أمن» گرفته شده است که فعل ثلاثی مجرد آن «أَمِنَ، يَأْمَنُ وَأَمْنًا» به معنای آرامش و اطمینان قلب و نبود ترس است. فعل ثلاثی مزید آن «أَمَّنَ، يَأْمِنُ وَأَيْمَانًا» است، که اگر متعدی به «با و لام» باشد به اتفاق اهل لغت به معنای تصدیق کردن است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۳۸۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ۱۳۳-۱۳۵؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۸: ۲۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۳). ابن منظور می‌گوید مفسران آیه ﴿مَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ﴾ (یوسف/ ۱۷) را به معنای «تو تصدیق‌کننده ما نیستی» تفسیر کرده‌اند و در این زمینه اختلافی ندارند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۳) او آیه ﴿وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ را تصدیق مؤمنین ترجمه کرده است؛ هم‌چنان‌که، در ادامه معنای ایمان را با کلمه «الثَّقَّةُ» آورده است که به معنای اعتماد بر اقوال و افعال است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۶). راغب در مفردات معنای ایمان را تصدیق همراه با امنیت دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۹۱). طریحی در مجمع البحرین نیز، افزون بر این‌که ایمان را به تصدیق ترجمه کرده و آن را مورد اجماع دانسته است، بر این باور است که ایمان بالله و ایمان لله وجود دارد؛ اولی به معنای تصدیق شایسته کبریایی خداوند و دومی خضوع و پذیرش اوامر و نواهی خداوند است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۲۰۵).

مطابق آنچه بیان شد، از میان کتاب‌های لغت فقط مجمع البحرین به تفاوت ایمان با «باء» و ایمان با «لام» اشاره کرده است؛ هرچند تفاوت دقیقی را بیان نکرده است. آنچه

لغویون به آن پرداخته‌اند این است که ایمان بدون متعلق نمی‌تواند باشد. خدا، رسول، کتاب و مصادیق دیگر می‌توانند متعلق ایمان باشند. این متعلق گاهی با «باء» و گاهی با «لام» به ایمان تعلق می‌گیرد. البته گاهی نیز به دلیل وضوح، متعلق ایمان حذف می‌شود. اهل لغت به تمایز میان این دو کاربرد اشاره‌ای نکرده‌اند. اشکال دیگر صاحب مجمع البحرین این است که در قرآن ایمان لله به کار نرفته است و طرح ایمان بالله و ایمان لله از سوی او و ایجاد تمایز میان آنها صحیح نیست.

انتظار این بود که کتاب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم در این زمینه دقیق باشد، اما با مراجعه به آن ملاحظه شد که این کتاب نیز تنها به این نکته پرداخته است که متعلق ایمان فقط با «باء» به کار می‌رود و گاهی متعلق آن به دلیل واضح بودن حذف می‌شود. نویسندگان ادامه می‌گویند متعلق ایمان در جایی که با «لام» ذکر می‌شود نیز، محذوف است. وی مثلاً معنای آیه ﴿فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّتُ﴾ را ایمان به خدا برای دعوت موسی (ع) می‌داند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۵۱). با توجه به آنچه خواهد آمد، عدم دقت کتاب التحقیق و ترجمه‌های قرآن در این زمینه روشن خواهد شد.

۳- بررسی دیدگاه مفسران درباره تفاوت ایمان متعدی به «باء» و ایمان متعدی به «لام»

در بررسی دیدگاه مفسران درباره ایمان متعدی به «لام»، تلاش شد تفاسیر همه مفسران شیعه و سنی دیده شود. در این میان تنها کسانی که دیدگاهی را اختیار کرده بودند ذکر شدند و مفسرانی که فقط به ذکر دیدگاه‌ها پرداخته‌اند و دیدگاهی را انتخاب نکرده‌اند ذکر نشدند. یکی از این مفسران، شیخ طوسی است که از ابن عباس نقل می‌کند که معنای ﴿يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ تصدیق مؤمنان است. ایشان دیدگاه زائد بودن «لام» را نیز بیان می‌کند و در پایان می‌نویسد که گروهی بر این باورند که «لام» برای جداسازی ایمان تصدیق و ایمان امان است که متمایزسازی ایمان مصطلح و تصدیق است (طوسی، بی‌تا، ج ۵: ۲۴۸-۲۴۷). البته

او در موارد دیگر، که ایمان با «لام» به کار رفته است، معنای آیه را تصدیق می‌داند، نظیر آیه ۹۴ سوره توبه: ﴿لَنْ تُؤْمِنَ لَكُمْ﴾ (طوسی، بی‌تا، ج ۵: ۲۸۱). چنین به نظر می‌رسد که شیخ طوسی دیدگاهی را اختیار نکرده است. سایر مفسران درباره ایمان متعدی به «لام» دیدگاه‌های متفاوتی دارند که برخی از دیدگاه‌ها صحیح نیستند و برخی نیز، به‌رغم صحت، کامل نیستند و برخی نیز همان دیدگاه برگزیده را بیان کرده‌اند که در ادامه خواهد آمد.

الف. زائد بودن «باء» و «لام»

برخی از مفسران «باء» و «لام» ایمان در آیه ﴿يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (توبه / ۶۱) را زائد دانسته، ایمان را به معنای تصدیق می‌دانند. از نظر ابن قتیبه، معنای آیه، یصدق الله و یصدق المؤمنین است و «باء» و «لام» زائد است (ابن قتیبه، ۱۴۲۳ ق، ۱۱۷). مفسران دیگری نیز همین دیدگاه را دارند (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۶۹؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۲۷۳).

ب. زائد بودن «لام»

به باور برخی از مفسران فقط «لام» زائد است. آنان معنای قسمت دوم آیه ۶۱ سوره توبه را تصدیق مؤمنان می‌دانند (مکی بن حموش، ۱۴۲۳، ۳۱۵؛ عکبری، ۱۴۱۹، ۱۸۵؛ کرباسی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۳۸۰).

تحلیل و بررسی زائد بودن «لام»

اصل بر این است که «لام» زائد نباشد مگر این که قرینه‌ای وجود داشته باشد. همه موارد کاربرد ایمان و مشتقات آن در قرآن یا با «باء» متعدی شده‌اند یا با «لام» و متعدی بنفسه ندارد. شاید اشتباه مفسران از این جهت باشد که ایمان در لغت به تصدیق ترجمه شده است و تصدیق در قرآن و کاربرد عرب به سه حالت آمده است: متعدی بنفسه، نظیر ﴿مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ﴾ (انعام / ۹۲) و ﴿يُصَدِّقُنِي﴾ (قصص / ۳۴) و ﴿قَدْ صَدَّقَتِ الرُّؤْيَا﴾ (صافات / ۱۰۵)، متعدی با «لام» نظیر ﴿مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ﴾ (بقره / ۴۱) و ﴿مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ﴾

(بقره/ ۹۷) و متعدی با «باء» نظیر ﴿مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ﴾ (آل عمران/ ۳۹) و ﴿صَدَقْتُ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا﴾ (تحریم/ ۱۲). ممکن است این اشتباه ناشی از این واقعیت باشد که ایمان از ریشه «أمن» است و أمن و مشتقات آن در قرآن و کاربرد عرب با مفعول مستقیم به کار می‌روند، نظیر ﴿يُرِيدُونَ أَن يُامِنُوا كُمْ وَ يُأْمِنُوا قَوْمَهُمْ﴾ (نساء/ ۹۱). این مطلب باعث اشتباه مفسران شده است که اصل در ایمان و مشتقات آن این است که مفعول بدون واسطه داشته باشد. کسانی چون ابن قتیبه «باء» و «لام» را زائد تلقی کرده‌اند. برخی دیگر فقط «لام» را زائد دانسته‌اند، که البته صحیح نیست و هیچ قرینه‌ای بر آن وجود ندارد و این که اصل ایمان از امن یا ایمان به معنای تصدیق است، دلیل یا شاهی بر این مطلب نیست.

ج. کاربرد ایمان با «باء» برای خدا و ایمان با «لام» برای غیر خدا

عده‌ای از مفسران بر این باورند که ایمان با «باء» برای خدا و با «لام» برای غیر خدا به کار می‌رود (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۷۶؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۴۲۹؛ رسعی، ۱۴۲۹، ج ۴: ۵۳۹؛ ابوحنیفان، ۱۴۲۰ ق، ج ۷: ۳۵۸؛ کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۴: ۲۵۶).

تحلیل و بررسی: این دیدگاه تا حدی درست است، اما دقیق نیست. به این دلیل که در آیات ﴿أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ﴾ (نحل/ ۷۲؛ عنکبوت/ ۶۷) و ﴿الَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ﴾ (عنکبوت/ ۵۲)، متعلق ایمان با «باء» کلمه باطل است. بنابراین بهتر است این گونه تفکیک شود که ایمان با «باء» به معنای ایمان مصطلح و در مقابل کفر است و متعلق آن خدا، پیامبران، کتاب‌ها، فرشتگان و غیب است. به این معنا، کسانی ایمان به باطل دارند و به جای خدا باطل را قرار می‌دهند. اما اگر ایمان با «لام» متعدی شود، به معنای مصطلح نیست، بلکه به همان معنای اعتماد کردن است. بر این اساس ممکن است کسی ایمان مصطلح داشته باشد، اما به پیامبری چون موسی (ع) اعتماد نداشته باشد. به عنوان نمونه قرآن می‌فرماید: ﴿فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ﴾ (یونس/ ۸۳)؛ و ما می‌دانیم که بنی اسرائیل موحد بودند و ایمان داشتند. بنابراین معنای آیه این است: «جز نسلی از قوم موسی کسی به او اعتماد نکرد».

د. ایمان با «لام» به معنای سببیت

برخی دیگر از مفسران یکی از معانی «لام» در زبان عربی، یعنی معنای سببیت را برای این بخش از آیه و امثال آن در نظر گرفته‌اند. صاحب تفسیر الدر المصون فی علوم الكتاب المکنون در تفسیر «يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ» پس از نقل برخی از دیدگاه‌ها، از قول المبرد بیان می‌کند که «للمؤمنين» متعلق به مصدری از فعل يؤمن است و گویا گفته شده است «ایمان او برای مؤمنان است»؛ که همان معنای سببیت است (سمین، ۱۴۱۴، ج ۳: ۴۷۸-۴۷۷). علامه طباطبایی (ره) و شاگردش آیت‌الله جوادی آملی نیز «لام» مورد بحث را لأجل و به معنای سببیت در نظر گرفته‌اند. علامه طباطبایی (ره) ذیل آیه «وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ» (آل عمران/ ۷۳) می‌گوید معنای «وَلَا تُؤْمِنُوا» عدم اعتماد و تصدیق است؛ چنان‌که در جمله «وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ» نیز به این معنا است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۲۵۹). اما ایشان در ذیل آیه «يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ»، با بیان این‌که ایمان به معنای تصدیق است، چنین ادامه می‌دهد که در جمله «يُؤْمِنُ بِاللَّهِ» متعلق ایمان ذکر شده است، اما در جمله «يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ» متعلق ایمان ذکر نشده است. به دلیل وجود «لام» در جمله روشن می‌شود که پیامبر (ص) به نفع مؤمنین تصدیق می‌کند. علامه پس از بیان دیدگاه‌های دیگر، می‌گوید هر چند آنها در جای خود قابل اعتنا هستند، اما «لام» به معنای نفع است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۳۱۶-۳۱۴). علامه ذیل آیه ۹۴ سوره توبه معنای جمله «لَنْ تُؤْمِنَ لَكُمْ» می‌گوید اگر بگوییم ماده ایمان همچنان‌که با حرف «باء» متعدی می‌شود با «لام» نیز متعدی می‌شود، معنای عبارت این است که ما شما را تصدیق نمی‌کنیم و اگر بگوئیم با «لام» متعدی نمی‌شود و «لام» به معنای نفع است، معنایش این است که شما را تصدیقی نمی‌کنیم که به نفع‌تان باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۳۶۳). آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم، ذیل آیه ۶۱ سوره توبه می‌نویسد کلمه ایمان متعدی به «لام» به معنای تصدیق به سود آنان است (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۴، ۳۵۴).

تحلیل و بررسی: مفسران به‌گونه‌ای سببیت را بیان می‌کنند که بیان‌گر معنای تصدیق باشد؛ با این نگاه که تصدیق منفعتی برای متعلق ایمان دارد؛ یعنی متعلق ایمان را همان

چیزی می‌دانند که پس از «لام» آمده است؛ اما معنای نفع هم در آن وجود دارد و مقصود ایمان مصطلح نیز نیست. این دیدگاه همان دیدگاه صحیح است اما کامل نیست.

هـ. مد نظر بودن معنایی ضمنی در ایمان با «لام»

برخی از مفسران در تفسیر خود نظر قاضی ابومحمد را نقل می‌کنند که در ضمن «لام»، «باء» هم وجود دارد که متناسب با هر آیه‌ای روشن می‌شود. بنابراین «يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ» به معنای «مؤمنان را در آنچه به او خبر می‌دهند تصدیق می‌کند»، و «وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا» به معنای «و تو در آنچه به تو می‌گوییم تصدیق‌کننده ما نیستی» است (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۳: ۵۳؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۵: ۴۴۹). صاحب تفسیر الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون در تفسیر «لَنْ تُؤْمِنَ لَكَ» (بقره/ ۵۵) معتقد است معنای آیه یا «هرگز به سبب گفتار تو ایمان نمی‌آوریم» است یا در آن کلمه اقرار تضمین شده است؛ که معنای آیه چنین است: «هرگز در آنچه ادعا کردی به تو اقرار نمی‌کنیم».

وی در تفسیر «وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ» (آل عمران/ ۷۳) دو وجه نقل می‌کند: یکی اینکه «لام» زائد باشد؛ دیگر این که معنای اقرار و اعتراف در آن تضمین شده باشد. او در ادامه از ابوعلی نقل می‌کند که ایمان با «لام» بدون تضمین متعدی شده است؛ هرچند قول صحیح را همان تضمین می‌داند (سمین، ۱۴۱۴، ج ۲: ۱۳۵). آلوسی نیز بر این باور است که هرگاه ایمان با «لام» متعدی شود معنای انقیاد در آن تضمین شده است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸: ۵۴۲-۵۴۱).

تحلیل و بررسی: مفسران در دیدگاه فوق بر این باورند که در ضمن ایمان، معنای انقیاد، اعتراف یا اقرار وجود دارد؛ که همان معنای تصدیق و اعتماد و نظر صحیح است. برخی نیز معنای ایمان با «باء» را در ضمن آن آورده‌اند که باز منافاتی با معنای صحیح یعنی اعتماد و تصدیق ندارد. اما این قول صحیح نیست زیرا بدون تضمین نیز می‌توان چنین معنایی را در نظر گرفت و افزون بر این، میان ایمان متعدی به «باء» و متعدی به «لام» تمایز قائل نشده و از این جهت کامل نیز نیست.

و. کاربرد «لام» برای تقویت معنای تصدیق

آلوسی در تفسیر خود این دیدگاه را نقل کرده است که «لام» در ﴿يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ برای تقویت معنای تصدیق و ایمان است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۳۱۶).
تحلیل و بررسی: در این دیدگاه نیز، «لام» برای تقویت معنای تصدیق است که این نیز با دیدگاه صحیح منافاتی ندارد.

ز. ایمان با «لام» به معنای تصدیق

گروهی از مفسران نیز معنای ایمانی که با «لام» متعدی شده است را تصدیق می‌دانند. از زجاج نقل شده است که ﴿يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ یعنی مؤمنان را در آنچه به پیامبر (ص) خبر می‌رسانند تصدیق می‌کند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰: ۱۱۷؛ فارسی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۲۱؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۳: ۳۲۹ - ۳۳۰؛ ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۵: ۴۱۱؛ دینوری، ۱۴۲۴، ج ۱: ۳۱۹؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۳۶۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۲۷۳؛ رسعی، ۱۴۲۹، ج ۲: ۵۳۰). برخی نیز در تفسیر خود می‌گویند ایمان در لغت به معنای تصدیق محض است و در برخی آیات قرآن نیز به کار رفته است، نظیر ﴿يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (توبه / ۶۱) و ﴿وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ﴾ (یوسف / ۱۷) (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۲: ۱۷۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱: ۷۶؛ ج ۴: ۱۴۹).
برخی از مفسران نیز از ابن عباس نقل کرده‌اند که معنای ﴿يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ «مؤمنان را تصدیق می‌کند» است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۶: ۱۸۲۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۲۵۳). تفسیر عیاشی نیز با ذکر روایاتی این معنا را ارائه می‌دهد (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۲۰؛ ج ۲: ۹۵). ابوالفتوح رازی نیز بر همین باور است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۹: ۲۸۲). تفسیر مجمع البیان نیز ذیل چندین آیه به این مسأله پرداخته و به برخی اقوال اشاره کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۷۷۳؛ ج ۵: ۶۸). اما به نظر می‌رسد معنای برگزیده او از ﴿يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ این است که آنچه مؤمنان به او گزارش دهند، تصدیق کرده و از آنان می‌پذیرد، نه آنچه منافقان گویند. این دیدگاه، تفسیری است که از ابن عباس نقل شده است و بر اساس این تفسیر معنای ایمان آن حضرت به مؤمنان همان تصدیق سخن ایشان است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۶۹).

روایاتی که در تفسیر ﴿يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ نقل می‌شود از امام صادق (ع) است. مقصود این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله سخنان خدا و مؤمنان را تصدیق می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۹۹). تفسیر نمونه در تفسیر ﴿يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ فقط به ترجمه اکتفا می‌کند؛ این که به سخنان مؤمنان راستین گوش فرا می‌دهد و آن را می‌پذیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۸، ۱۶). در تفسیر نسیم حیات آمده است که وقتی ماده ایمان با «لام» متعدی می‌شود، غالباً به معنای اعتماد و تصدیق کردن است (بهرام‌پور، ۱۳۸۲، ج ۱۰: ۱۹۷).

تحلیل و بررسی: اشکال این دیدگاه، نظیر سایر دیدگاه‌های گذشته، در ناقص بودن آن است. این دیدگاه بیان نکرده است که ایمان اگر با «باء» متعدی شود به معنای ایمان مصطلح است و اگر با «لام» متعدی شود به معنای تصدیق و اعتماد.

ح. ایمان با «باء» ایمان مصطلح و با «لام» به معنای انقیاد و تصدیق

برخی از مفسران اهل سنت بر این باورند که ایمان اگر با «باء» متعدی شود، به معنای ایمان و تصدیق ضد کفر است و اگر با «لام» متعدی شود، به معنای تسلیم، انقیاد و پذیرش است. آنان در این زمینه به آیاتی نظیر ﴿أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ﴾، ﴿وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ﴾، ﴿فَمَا أَمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةً مِنْ قَوْمِهِ﴾، ﴿أَنْتُمْ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذُلُونَ﴾ و ﴿أَمْسِمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنِ لَكُم﴾ اشاره می‌کنند که به همین معنا هستند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶: ۹۰؛ زین‌الدین رازی، ۱۳۸۰، ۲۳۱-۲۳۰؛ نسفی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۱۹۱؛ ابوحیان، ۱۴۰۷، ج ۱: ۹۸۲؛ رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۵۱۹؛ درویش، ۱۴۱۵، ج ۴: ۱۲۲). در داستان مبارزه موسی (ع) با ساحران در سوره اعراف، آیه ۱۲۳ از قول فرعون آمده است: ﴿أَمْسِمْ بِهِ﴾. حال آن که در دو سوره دیگر، درباره همین داستان، تعبیر ﴿أَمْسِمْ لَهُ﴾ (طه: ۷۱؛ شعراء: ۴۹) آمده است. اسکافی در درة التنزیل و غرة التأویل وجه این اختلاف را چنین بیان می‌کند که ضمیر «هاء» در سوره اعراف به رب العالمین بازمی‌گردد، اما در سوره طه و شعراء که با «لام» متعدی شده است به موسی (ع) بازمی‌گردد. شاهد این مطلب این است که در دو سوره مذکور بعد از ﴿أَمْسِمْ لَهُ﴾ تعبیر ﴿إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحَرَ﴾ آمده است، حال آن که در سوره اعراف چنین تعبیری

نیامده است (اسکافی، ۱۴۱۶: ۹۸). گویا اسکافی همین نظر را که ایمان اگر با «باء» متعدی شود، برای خدا به کار می‌رود و اگر با «لام» متعدی شود، برای غیر خدا، را پذیرفته است و این توجیه را مطرح می‌کند. البته اسکافی در ادامه می‌گوید ضمیر «هاء» در سوره اعراف را نیز می‌توان به موسی (ع) بازگرداند، زیرا «آمن بالرسول» در قرآن مطرح است؛ که همان ایمان مصطلح و مقابل کفر است. برخی از مفسران شیعی نیز بر این باورند که ایمان اگر با «باء» متعدی شود معنای ایمان و تصدیق ضد کفر است و اگر با «لام» متعدی شود به معنای تسلیم، انقیاد و پذیرش است (کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۳: ۱۲۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۳۵۳). برخی از قرآن‌پژوهان نیز در کتاب خود چنین نگاشته است: «واژه «ایمان» و مشتقات آن هر گاه با «باء» متعدی شوند، برای ایمان دینی و هر گاه با «لام» متعدی شوند، برای باور کردن سخن انسان‌ها به کار می‌روند و هر دو کاربرد در آیه ۶۱ سوره توبه وجود دارد» (توفیقی، ۱۳۹۵: ۱۳۶).

با توجه به آنچه گذشت می‌توان گفت که غیر از دیدگاه زائد بودن «لام»، سایر دیدگاه‌ها با دیدگاه صحیح قابل جمع هستند. با مراجعه به آیات قرآن دیدگاه اخیر مفسران که همان دیدگاه صحیح و برگزیده است، تأیید می‌شود. در آیات قرآن، ایمانی که با «باء» متعدی می‌شود به الله، فرشتگان، کتب، رسولان (بقره/ ۱۷۷ و ۲۸۵)، آخرت (نمل/ ۴)، غیب (بقره/ ۳)، «ما انزل الله» (بقره/ ۴)، جبت و طاغوت (نساء/ ۵۱)، آیات (انعام/ ۵۴)، لقاء پروردگار (انعام/ ۱۵۴)، يوم الحساب (غافر/ ۲۷)، کلمات الله (اعراف/ ۱۵۸)، هدایت (جن/ ۱۳) و حتی ایمان به باطل (نحل/ ۷۲؛ عنکبوت/ ۶۷ و ۵۲) تعلق گرفته است. اما ایمانی که با «لام» متعدی می‌شود، به شخص یا مطلبی شخصی تعلق گرفته است. بنابراین با تدبر در آیات قرآن تمایز این دو کاربرد به این است که ایمان متعدی به «باء» به معنای ایمان مصطلح و در مقابل کفر است، اما ایمان متعدی به «لام» به معنای تصدیق یا به تعبیر بهتر، اعتماد است.

۴- دیدگاه برگزیده

باتوجه به بیان کتب لغت، معنای اصلی ایمان تصدیق است.

ایمان و مشتقات آن هیچ‌گاه در قرآن به صورت متعدی بنفسه به کار نرفته‌اند و فقط دو نوع کاربرد دارند:

متعدی به «باء» و متعدی به «لام».

با توجه به بیانی که گذشت، هرگاه ایمان و مشتقات آن با «باء» به کار روند، معنای آنها ایمان مصطلح و در مقابل کفر است و هرگاه با «لام» متعدی شوند، معنای آنها تصدیق و اعتماد صرف است. این معنا از تدبر در قرآن به دست می‌آید؛ به این صورت که وقتی تمایز این کاربرد را در استعمالات قرآنی مورد تدبر قرار می‌دهیم می‌بینیم که در برخی موارد به معنای ایمان مصطلح نیست. مانند آیه «يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ» (توبه/ ۶۱) و «وَمَا أَنتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ» (یوسف/ ۱۷)؛ در آیه نخست معنا ندارد که پیامبر به مؤمنان، ایمان مصطلح، یعنی ایمان در مقابل کفر داشته باشد و در آیه دوم نیز برادران یوسف در صدد بیان این مطلب نیستند که پدرشان به آنان ایمان ندارد، بلکه سخن بر سر اعتمادداشتن است. آیات «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ» (بقره/ ۷۵) و «وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ» (آل عمران/ ۷۳) و «يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ» (توبه/ ۹۴) نیز نظیر دو آیه مذکور هستند و نمی‌توان آنها را به معنای ایمان مصطلح در نظر گرفت. از آنجاکه هیچ دلیل و قرینه‌ای نیز وجود ندارد که میان این پنج آیه و شانزده مورد دیگری که در قرآن ایمان با «لام» متعدی شده است، تمایز قائل شویم؛ بنابراین بهتر است در کل قرآن هر جا کلمه ایمان با «لام» متعدی شده است، آن را به اعتماد ترجمه کنیم. تصدیق و باور نیز بیان‌گر همین معنا هستند، اما در فارسی کلمه اعتماد از باور و تصدیق رساتر است.

۵- بررسی ترجمه‌های قرآن درباره ترجمه ایمان متعدی به حرف «لام»

برای نشان دادن این مطلب که جز یک ترجمه، آن هم به صورت ناقص، بقیه ترجمه‌ها درباره کلمه ایمان و مشتقات آن، که با «لام» متعدی شده‌اند، از دقت کافی برخوردار نیستند، ترجمه‌های آیه ۱۳۴ سوره اعراف را ذکر می‌کنیم:

﴿لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرَّجْزَ لَتُؤْمِنَنَّ لَكَ﴾ (اعراف/ ۱۳۴)

- ۱- اگر این عذاب را از ما دور کنی، به تو ایمان می‌آوریم (آیتی، ۱۳۷۴).
- ۲- اگر این عذاب را از ما برداری، قطعاً به تو ایمان می‌آوریم (پاینده، ۱۳۵۷).
- ۳- اگر تو این بلا را از ما دفع کنی، قسم می‌خوریم که به تو ایمان خواهیم آورد (ارفع، ۱۳۸۱).
- ۴- اگر رفع بلا کردی، البته ایمان به تو می‌آوریم (الهی قمشهای، ۱۳۸۰).
- ۵- اگر این عذاب را از ما برطرف کنی، یقیناً به تو ایمان می‌آوریم (انصاریان، ۱۳۸۳).
- ۶- اگر رفع بلا شود، البته به تو ایمان آورده (بروجردی، ۱۳۶۶).
- ۷- اگر این عذاب را از ما برطرف کنی، قطعاً به تو ایمان می‌آوریم (پورجوادی، ۱۴۱۴).
- ۸- اگر شوی ز سر قوم ما بلاگردان / [تمام] بر تو [و دین تو] آوریم ایمان (امینیان، ۱۳۸۴).
- ۹- گر بلا را ز ما بگردانی / می‌شویمت گروه ایمانی (تشکری آرانی، ۱۳۸۳).
- ۱۰- اگر باز کنی بری و بگشایی تو از ما این عذاب، هرآینه باور داریم ترا (مترجم ناشناخته (قرن دهم)، ۱۳۸۳).
- ۱۱- اگر این (عذاب) اضطراب‌آور را از ما برطرف سازی، قطعاً به تو ایمان می‌آوریم (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳).
- ۱۲- اگر برداری از ما این عذاب را، حتماً ایمان می‌آوریم به تو (سراج، ۱۳۹۰).
- ۱۳- اگر زائل کنی از ما عقوبت را، البته معتقد شویم ترا (شاه ولی‌الله، بی‌تا).
- ۱۴- اگر این عذاب را از ما برطرف کنی، بی‌گمان به تو می‌گرویم (صلواتی، ۱۳۸۷).
- ۱۵- اگر این اضطراب و بلا را از ما برداری، یقیناً به تو ایمان می‌آوریم (طاهری قزوینی، ۱۳۸۰).
- ۱۶- اگر تو این پلیدی کیفر را از ما به یک سو کنی، حتماً به تو ایمان آوریم (فارسی، ۱۳۶۹).
- ۱۷- اگر این عذاب را از ما برطرف کنی، حتماً به تو ایمان خواهیم آورد (فولادوند، ۱۴۱۸).

- ۱۸- اگر این بلاها را از ما برداری، آن‌گاه به تو ایمان خواهیم آورد (کاویان‌پور، ۱۳۷۲).
- ۱۹- اگر این عذاب را از ما بگردانی، سوگند می‌خوریم که به تو ایمان می‌آوریم (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۴).
- ۲۰- اگر این عذاب را از ما برداری، حتماً سخن تو را باور می‌کنیم (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵).
- ۲۱- اگر این عذاب را (تا فلان مدت) از ما برطرف کنی، حتماً به تو ایمان می‌آوریم (مشکینی اردبیلی، ۱۳۸۱).
- ۲۲- اگر دفع کنی از ما عذاب را، هر آینه بگرویم مر ترا (مصباح‌زاده، ۱۳۸۰).
- ۲۳- اگر برداری از ما چرک را، هر آینه ایمان آریم به تو (معزی، ۱۳۷۲).
- ۲۴- اگر این بلا را از ما مرتفع سازی، قطعاً به تو ایمان می‌آوریم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳).
- ۲۵- اگر دعا کرده از ما این طاعون را برداری، البته به تو ایمان می‌آوریم (صادق نویری، ۱۳۹۶).
- ۲۶- اگر برداری تو از ما این عذاب را، البته ایمان می‌آوریم برای تو (یاسری، ۱۴۱۵).
- ۲۷- قطعاً اگر این عذاب را از ما برداری، به تو ایمان می‌آوریم (صفوی، ۱۳۸۸).
- ۲۸- اگر این بلا را از ما بگردانی، بی‌شک به تو ایمان می‌آوریم (برزی، ۱۳۸۲).
- بهترین ترجمه برای این قسمت از آیه ۱۳۴ سوره اعراف، ترجمه قرآن مرکز فرهنگ و معارف قرآن است که آن را به باور کردن ترجمه کرده است و سایر ترجمه‌ها دقیق نیستند.
- این در حالی است که تقریباً همه مترجمان، دو آیه ﴿يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (توبه/ ۶۱) و ﴿وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ﴾ (یوسف/ ۱۷) را به باور یا اعتماد ترجمه کرده و آن را به معنای ایمان مصطلح مقابل کفر ترجمه نکرده‌اند که از ذکر ترجمه‌ها به دلیل طولانی شدن نوشتار پرهیز می‌شود. بیان شد که هیچ دلیل و قرینه‌ای وجود ندارد که در آیات دیگری که کلمه ایمان با «لام» متعدی شده است، آن را به باور، تصدیق و یا اعتماد ترجمه نکنیم.

در ادامه همه کاربردهای قرآنی دیگر کلمه ایمان و مشتقات آن که با «لام» متعدی شده- اند را از ترجمه قرآن مرکز فرهنگ و معارف قرآن و ترجمه آقای فولادوند بررسی خواهیم کرد. برای رعایت اختصار برای ترجمه‌های مذکور به ترتیب کلمات فرهنگ و فولادوند را ذکر خواهیم کرد.

۱- ﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً﴾ (بقره/ ۵۵)

فرهنگ: و [یاد کنید] وقتی را که گفتید: ای موسی! ما سخن تو را باور نمی‌کنیم تا این‌که خدا را آشکارا ببینیم.

فولادوند: و چون گفتید: «ای موسی! تا خدا را آشکارا نبینیم، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد.»

۲- ﴿أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ﴾ (بقره/ ۷۵)

فرهنگ: پس آیا شما [مسلمانان] طمع دارید که [یهودیان] سخن شما را باور کنند؟

فولادوند: آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند؟

۳- ﴿وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ﴾ (آل عمران/ ۷۳)

فرهنگ: و جز [سخن] کسی را که از دین شما پیروی کند باور مکنید.

فولادوند: و [گفتند:] جز به کسی که دین شما را پیروی کند، ایمان نیاورید.

۴- ﴿الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلاَّ نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّى يَأْتِيَنَا بَقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ﴾ (آل عمران/

۱۸۳)

فرهنگ: همانان که گفتند: خدا به ما سفارش کرده است که به هیچ پیامبری ایمان

نیاوریم تا برای ما یک قربانی بیاورد که آتش آن را بسوزاند.

فولادوند: همانان که گفتند: «خدا با ما پیمان بسته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا

برای ما قربانی بیاورد که آتش [آسمانی] آن را [به نشانه قبول] بسوزاند.»

۵- ﴿وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لَتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ﴾ (اعراف/ ۱۳۲)

فرهنگ: و [به موسی] گفتند: هرگونه آیتی برای ما بیاوری که ما را با آن افسون کنی، ما

هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد.

فولادوند: و گفتند: «هر گونه پدیده شگرفی که به وسیله آن ما را افسون کنی برای ما بیاوری، ما به تو ایمان آورنده نیستیم.»

۶- ﴿يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ تُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ﴾ (توبه / ۹۴)

فرهنگ: هنگامی که [از تبوک] به سوی آنان باز گردید، برای شما عذر می‌آورند. بگو: عذر نیاورید؛ که ما هرگز از شما باور نمی‌کنیم؛ خدا ما را از اخبار شما آگاه کرده است. فولادوند: هنگامی که به سوی آنان باز گردید، برای شما عذر می‌آورند. بگو: «عذر نیاورید؛ هرگز شما را باور نخواهیم داشت؛ خدا ما را از خبرهای شما آگاه گردانیده است.

۷- ﴿وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس / ۷۸)

فرهنگ: ما هرگز تصدیق‌کنندگان شما نخواهیم بود. فولادوند: ما به شما دو تن ایمان نداریم.

۸- ﴿فَمَا أَمْنٌ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِنْ فُزْعُونَ وَمَلَنَّهُمْ أَنْ يَقْتُلَهُمْ﴾ (یونس / ۸۳)

فرهنگ: سرانجام، موسی را جز فرزندانی از قوم او تصدیق نکردند، آن هم با ترس از فرعون و اشرافشان که [مبادا] آنان را شکنجه کنند. فولادوند: سرانجام، کسی به موسی ایمان نیاورد مگر فرزندانی از قوم وی، در حالی که بیم داشتند از آن‌که مبادا فرعون و سران آنها ایشان را آزار رسانند.

۹- ﴿وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ﴾ (هود / ۵۳)

فرهنگ: و ما هرگز گفته تو را باور نمی‌کنیم. فولادوند: و تو را باور نداریم.

۱۰- ﴿وَقَالُوا لَنْ تُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا﴾ (اسراء / ۹۰)

فرهنگ: و گفتند هرگز [سخن] تو را باور نمی‌کنیم تا آن‌که از این سرزمین (مکه) چشمه‌ای برای ما روان سازی.

فولادوند: و گفتند تا از زمین چشمه‌ای برای ما نجوشانی، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد.

۱۱- ﴿وَلَنْ نُؤْمِنَ لِزُقَيْكَ حَتَّىٰ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ﴾ (اسراء/ ۹۳)

فرهنگ: و بالا رفتن تو را باور نمی‌کنیم تا این‌که نوشته‌ای بر ما نازل کنی که آن را بخوانیم.

فولادوند: و به بالارفتن تو [هم] اطمینان نخواهیم داشت، تا بر ما کتابی نازل کنی که آن را بخوانیم.

۱۲- ﴿قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ﴾ (طه/ ۷۱)

فرهنگ: [فرعون] گفت: [آیا] پیش از آن‌که به شما اجازه دهم او را تصدیق کردید؟

فولادوند: [فرعون] گفت: «آیا پیش از آن‌که به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟»

۱۳- ﴿وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ﴾ (مؤمنون/ ۳۸)

فرهنگ: و ما هرگز تصدیق‌کننده او نیستیم.

فولادوند: و ما به او اعتقاد نداریم.

۱۴- ﴿قَالُوا أَتُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ﴾ (مؤمنون/ ۴۷)

فرهنگ: پس گفتند: آیا به دو بشری که مانند خود ما هستند ایمان بیاوریم و حال آن‌که

قوم آن دو بندگی ما می‌کنند؟

فولادوند: پس گفتند: «آیا به دو بشر که مثل خود ما هستند و طایفه آنها بندگان ما

می‌باشند، ایمان بیاوریم؟»

۱۵- ﴿قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ﴾ (شعراء/ ۴۹)

فرهنگ: [فرعون] گفت: پیش از آن‌که به شما اجازه دهم به او گرویدید؟

فولادوند: گفت: «[آیا] پیش از آن‌که به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟»

۱۶- ﴿قَالُوا أَتُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ﴾ (شعراء/ ۱۱۱)

فرهنگ: گفتند: آیا ما به تو ایمان بیاوریم، با این‌که فرومایگان از تو پیروی کرده‌اند؟

فولادوند: گفتند: «آیا به تو ایمان بیاوریم و حال آن‌که فرومایگان از تو پیروی کرده‌اند؟»

۱۷- ﴿فَأَمِّنْ لَهُ لُوطٌ﴾ (عنکبوت/ ۲۶)

فرهنگ: پس لوط او را تصدیق کرد.

فولادوند: پس لوط به او ایمان آورد.

۱۸- ﴿وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَأَعْتَزِلُونِ﴾ (دخان/ ۲۱)

فرهنگ: و اگر مرا باور ندارید، از من کناره بگیرید.

فولادوند: و اگر به من ایمان نمی‌آورید، پس از من کناره بگیرید.

با بررسی این ترجمه‌ها روشن می‌شود که غیر از ترجمه مرکز فرهنگ و معارف قرآن و ترجمه آقای فولادوند، ترجمه‌های دیگر در این زمینه از دقت کافی برخوردار نیستند. البته برای رعایت اختصار از ذکر ترجمه این آیات از مترجمان دیگر پرهیز شد. ترجمه آقای فولادوند از این ۱۸ آیه فقط در شماره‌های ۶، ۹، ۱۱ و ۱۳ دقیق بوده است و ترجمه مرکز فرهنگ و معارف قرآن در شماره‌های ۴، ۵، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ دقیق نبوده است، اما در سایر موارد دقیق بوده و با کلمات «تصدیق» و «باور» آیات را ترجمه کرده است. بنابراین با وجود دقت این ترجمه، باز ترجمه پنج آیه آن دقیق نبوده است.

سیاق برخی از این آیات فوق، با دیدگاه برگزیده سازگارتر است. به عنوان مثال آیه ﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً﴾ (بقره/ ۵۵) که در آن گزارش می‌شود که بنی‌اسرائیل به موسی (ع) گفتند که تا خدا را به صورت آشکارا نبینیم به تو ایمان نمی‌آوریم. این بدیهی است که فرزندان یعقوب (ع) ایمان مصطلح یعنی ایمان به خدا، پیامبران و معاد داشتند؛ بنابراین ایمان در این آیه باید به معنای تصدیق و اعتماد ترجمه شود که مشاهده شد که ترجمه فرهنگ و معارف قرآن اینگونه ترجمه کرده ولی ترجمه آقای فولادوند اینگونه نبود. نمونه دیگر آیه ﴿الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلاَّ نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّى يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ﴾ (آل‌عمران/ ۱۸۳) است که یهودیان به حضرت رسول (ص) گفتند خدا به ما سفارش کرده است که به هیچ فرستاده‌ای ایمان نیاوریم مگر اینکه قربانی‌ای انجام دهد و از جانب خدا آتشی آن قربانی را بسوزاند. یهودیان نیز ایمان به خدا، پیامبران و معاد داشتند. بنابراین اینجا نیز مراد تصدیق و اعتماد است نه ایمان مصطلح. حال آنکه هر دو ترجمه در این مورد

دقت نکرده و ایمان مصطلح ترجمه کرده بودند. مثال دیگر آیه ﴿فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةُ مِنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ﴾ (یونس / ۸۳) است که در آن گزارش داده می‌شود که حضرت موسی (ع) هنگامی که به مواجهه با فرعون رفت، بنی‌اسرائیل از ترس فرعونیان به موسی (ع) ایمان نیاوردند. حال آنکه بیان شد که فرزندان یعقوب (ع) ایمان مصطلح داشتند و اینجا نیز باید اینگونه ترجمه شود که موسی (ع) را جز فرزندان از قوم او تصدیق نکردند که ترجمه فرهنگ و معارف قرآن اینگونه ترجمه کرده است ولی ترجمه آقای فولادوند آن را به ایمان مصطلح ترجمه کرده است. بیان شد که با توجه به اینکه برخی از آیاتی که ایمان متعدی به «لام» دارند به یقین باید ایمان در آنها، تصدیق یا به تعبیر رساتر اعتماد ترجمه شود و هیچ قرینه‌ای نیز بر تفکیک آیات نداریم، بنابراین در همه آیاتی که ایمان متعدی به «لام» به کار رفته است به همین شیوه عمل می‌کنیم.

۶- نتیجه‌گیری

نتایج این نوشتار با توجه به آنچه گذشت، عبارتند از:

۱- باتوجه به بیان کتب لغت، معنای اصلی ایمان تصدیق است. ایمان و مشتقات آن هیچ‌گاه در قرآن به صورت متعدی بنفسه به کار نرفته‌اند و فقط دو نوع کاربرد دارند: متعدی به «باء» و متعدی به «لام». کتب لغت به تمایز معنایی این دو کاربرد اشاره‌ای نکرده‌اند اما مفسران به این تمایز پرداخته‌اند و در این زمینه اختلافاتی پدید آمده است. با تدبر در آیات قرآن چنین به دست می‌آید که برخی از کاربردهای ایمان متعدی به «لام» مانند آیه ﴿يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (توبه / ۶۱) و ﴿وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ﴾ (یوسف / ۱۷) به معنای ایمان مصطلح، یعنی ایمان در مقابل کفر نیستند. از آنجاکه هیچ دلیل و قرینه‌ای نیز وجود ندارد که میان کاربردهای ایمان متعدی با «لام»، تمایز قائل شویم؛ بنابراین بهتر است در کل قرآن هر جا کلمه ایمان با «لام» متعدی شده است، آن را به اعتماد ترجمه کنیم.

تصدیق و باور نیز بیان‌گر همین معنا هستند، اما در فارسی کلمه اعتماد از باور و تصدیق رساتر است.

۲- با مراجعه به آیات قرآن مشاهده می‌شود که ایمانی که با «باء» متعدی می‌شود به الله، فرشتگان، کتب، رسولان (بقره/ ۱۷۷؛ ۲۸۵)، آخرت (نمل/ ۴)، غیب (بقره/ ۳)، «ما انزل الله» (بقره/ ۴)، جبت و طاغوت (نساء/ ۵۱)، آیات (انعام/ ۵۴)، لقاء پروردگار (انعام/ ۱۵۴)، یوم الحساب (غافر/ ۲۷)، کلمات الله (اعراف/ ۱۵۸)، هدایت (جن/ ۱۳) و حتی ایمان به باطل (نحل/ ۷۲؛ عنکبوت/ ۶۷؛ ۵۲) تعلق گرفته است. اما ایمانی که با «لام» متعدی می‌شود، به شخص یا مطلبی شخصی تعلق گرفته است. بنابراین با تدبیر در آیات قرآن تمایز این دو کاربرد به این است که ایمان متعدی به «باء» به معنای ایمان مصطلح و در مقابل کفر است، اما ایمان متعدی به «لام» به معنای تصدیق یا به تعبیر بهتر، اعتماد است.

۳- با بررسی ترجمه‌های قرآن روشن شد که غیر از ترجمه مرکز فرهنگ و معارف قرآن و ترجمه آقای فولادوند، ترجمه‌های دیگر در ترجمه ایمانی که با «لام» متعدی می‌شود از دقت کافی برخوردار نیستند. ترجمه آقای فولادوند در تعداد اندکی از این آیات دقیق بوده است و ترجمه مرکز فرهنگ و معارف قرآن در تعداد اندکی از این آیات دقیق نبوده است، اما در سایر موارد دقیق بوده و با کلمات «تصدیق» و «باور» آیات را ترجمه کرده است. بنابراین بیشتر مترجمان به تمایز معنای این دو کاربرد توجه نداشته‌اند و تنها برخی از مفسران شیعه و سنی و اندکی از مترجمان معنای درستی از این واژه را ارائه کرده‌اند.

۷- منابع

﴿قرآن کریم﴾

- ۱- ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبة نزار مصطفى الباز، (۱۴۱۹ق).

- ۲- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، محقق: عبد الرزاق مهدي، بیروت: دار الكتاب العربي، (۱۴۲۲ق).
- ۳- ابن سلیمان، مقاتل، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (۱۴۲۳ق).
- ۴- ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، محقق و مصحح: عبد السلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، (۱۴۰۴ق).
- ۵- ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم، تأویل مشکل القرآن، محقق: ابراهیم شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، (۱۴۲۳ق).
- ۶- ابن عطیہ، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دار الکتب العلمیة، (۱۴۲۲ق).
- ۷- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، (۱۴۱۹ق).
- ۸- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق و مصحح: جمال الدین میر دامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، (۱۴۱۴ق).
- ۹- ابو حیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر، (۱۴۲۰ق).
- ۱۰- ابو حیان، محمد بن یوسف، تفسیر النهر الماد من البحر المحیط، بیروت: دارالجنان، (۱۴۰۷ق).
- ۱۱- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مصحح: محمد مهدی ناصح و محمد جعفر یاحقی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، (۱۴۰۸ق).
- ۱۲- ارفع، کاظم، ترجمه قرآن (ارفع)، تهران: فیض کاشانی، (۱۳۸۱ش).
- ۱۳- الهی قمشہای، مهدی، ترجمه قرآن (الهی قمشہای)، قم: فاطمه الزهراء، چاپ دوم، (۱۳۸۰ش).
- ۱۴- امینیان، کرم‌خدا، ترجمه قرآن (ترجمه منظوم کرم‌خدا/امینیان)، قم: اسوه، (۱۳۸۴ش).
- ۱۵- انصاریان، حسین، ترجمه قرآن (انصاریان)، قم: اسوه، (۱۳۸۳ش).
- ۱۶- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی، بیروت: دار الکتب العلمیة، (۱۴۱۵ق).
- ۱۷- آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن (آیتی)، تهران: انتشارات سروش، چاپ چهارم، (۱۳۷۴ش).
- ۱۸- برزی، اصغر، ترجمه قرآن و نکات نحوی آن (برزی)، تهران: بنیاد قرآن، (۱۳۸۲ش).

۱۹- بروجردی، محمدابراهیم، ترجمه قرآن (بروجردی)، تهران: کتابخانه صدر، چاپ ششم، (۱۳۶۶ش).

۲۰- بغوی، حسین بن مسعود، تفسیر البغوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).

۲۱- بهرامپور، ابوالفضل، نسیم حیات، قم: مؤسسه انتشارات هجرت، (۱۳۸۲ش).

۲۲- پاینده، ابوالقاسم، ترجمه قرآن (ابوالقاسم پاینده)، تهران: جاویدان، چاپ پنجم، (۱۳۵۷ش).

۲۳- پورجوادی، کاظم، ترجمه قرآن (پورجوادی)، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، (۱۴۱۴ق).

۲۴- تشکری آرانی، شهاب، ترجمه قرآن (تشکری)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، (۱۳۸۳ش).

۲۵- توفیقی، حسین، تفسیر پنج موضوع قرآنی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، (۱۳۹۵ش).

۲۶- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق و مصحح: هلالی علی و علی سیری، بیروت: دارالفکر، (۱۴۱۴ق).

۲۷- خطیب اسکافی، محمد بن عبدالله، درة التنزیل و غرة التأویل فی بیان الایات المتشابهات فی کتاب الله العزیز، بیروت: دار الکتب العلمیه، (۱۴۱۶ق).

۲۸- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۳۴، قم: مرکز چاپ اسراء، (۱۳۹۳ش).

۲۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، محقق و مصحح: صفوان عدنان داوودی، بیروت- دمشق: دار القلم- الدار الشامیة، (۱۴۱۲ق).

۳۰- رسعنی، عبدالرزاق بن رزق الله، رموز الكنوز فی تفسیر الكتاب العزیز، محقق: عبد الملك ابن دهیش، مکه مکرمه: مکتبة الأسدي، (۱۴۲۹ق).

۳۱- رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم الشہیر بتفسیر المنار، بیروت: دار المعرفة، (۱۴۱۴ق).

۳۲- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ترجمه قرآن (رضایی)، قم: موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، (۱۳۸۳ش).

۳۳- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، بیروت: دارالکتاب العربی، (۱۴۰۷ق).

۳۴- زین الدین رازی، محمد بن ابی بکر، پرسش و پاسخ‌های قرآنی: ترجمه مسائل الرازی، ترجمه و تصحیح: محمدرضا غیائی کرمانی، قم: نور گستر، (۱۳۸۰ش).

۳۵- درویش، محی الدین، اعراب القرآن الکریم و بیانہ، سوریه- حمص: الارشاد، چاپ چهارم، (۱۴۱۵ق).

- ۳۶- دینوری، عبدالله بن محمد، الواضح في تفسير القرآن الكريم، بيروت: دارالكتب العلمية، منشورات محمد علي بیضون، (۱۴۲۴ق).
- ۳۷- سراج، رضا، ترجمه قرآن (سراج)، تهران: سازمان چاپ دانشگاه، (۱۳۹۰ق).
- ۳۸- سمرقندی، نصر بن محمد، تفسير السمرقندي المسمي بحر العلوم، محقق: عمر عمروی، بيروت: دار الفكر، (۱۴۱۶ق).
- ۳۹- سمین، احمد بن یوسف، الدر المصون في علوم الكتاب المكنون، بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بیضون، (۱۴۱۴ق).
- ۴۰- سیوطی، جلال الدین، تفسير الدرالمثور في التفسير بالماثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، (۱۴۰۴ق).
- ۴۱- شاه ولی الله، احمد بن عبدالرحیم، ترجمه قرآن (شاه ولی الله دهلوی)، سراوان: کتابفروشی نور، (بی تا).
- ۴۲- صادق نوبری، عبدالمجید، ترجمه قرآن (نوبری)، نویسنده: محمدکریم علوی حسینی، تهران: اقبال، (۱۳۹۶ق).
- ۴۳- صفوی، محمدرضا، ترجمه قرآن بر اساس المیزان، قم: دفتر نشر معارف، (۱۳۸۸ش).
- ۴۴- صلواتی، محمود، ترجمه قرآن (صلواتی)، تهران: مبارک، (۱۳۸۷ش).
- ۴۵- طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان في تفسير القرآن، بيروت: مؤسسه الاعلمي للمطبوعات، (۱۳۹۰ق).
- ۴۶- طاهری قزوینی، علی اکبر، ترجمه قرآن (طاهری)، تهران: قلم، (۱۳۸۰ش).
- ۴۷- طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسير الكبير: تفسير القرآن العظيم، اردن: دارالكتاب الثقافي، (۲۰۰۸م).
- ۴۸- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران: ناصرخسرو، (۱۳۷۲ش).
- ۴۹- طبرسی، فضل بن حسن، تفسير جوامع الجامع، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، (۱۴۱۲ق).
- ۵۰- طبری، محمد بن جریر، جامع البيان في تفسير القرآن، بيروت: دارالمعرفة، (۱۴۱۲ق).
- ۵۱- طوسی، محمد بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، بيروت: دار إحياء التراث العربي، (بی تا).
- ۵۲- طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرين، محقق و مصحح: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوي، (۱۳۷۵ش).

- ۵۳- عکبری، عبدالله بن حسین، *التبیان فی إعراب القرآن*، ریاض: بیت الأفكار الدولية، (۱۴۱۹ق).
- ۵۴- عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمیه، (۱۳۸۰ق).
- ۵۵- فارسی، جلال‌الدین، *ترجمه قرآن (فارسی)*، تهران: انجم کتاب، (۱۳۶۹ش).
- ۵۶- فارسی، حسن بن احمد، *الحجة للقراء السبعة*، محققان: بشیر جویجاتی و بدرالدین قهوجی، بیروت: دارالمأمون للتراث، چاپ دوم، (۱۴۱۳ق).
- ۵۷- فراهیدی، خلیل بن أحمد، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، (۱۴۰۹ق).
- ۵۸- فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر*، بیروت: داراحیاء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).
- ۵۹- فولادوند، محمد مهدی، *ترجمه قرآن (فولادوند)*، محقق: هیئت علمی دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ سوم، (۱۴۱۸ق).
- ۶۰- فیض کاشانی، محمد محسن، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر، (۱۴۱۵ق).
- ۶۱- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، *زبده التفسیر*، محقق: بنیاد معارف اسلامی، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية، (۱۴۲۳ق).
- ۶۲- کاویان‌پور، احمد، *ترجمه قرآن (کاویان‌پور)*، تهران: اقبال، چاپ سوم، (۱۳۷۲ش).
- ۶۳- کرباسی، محمدجعفر، *اعراب القرآن (کرباسی)*، بیروت: دار و مکتبه الهلال (۱۴۲۲ق).
- ۶۴- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، (۱۴۰۷ق).
- ۶۵- ماتریدی، محمد بن محمد، *تأویلات أهل السنة*، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، (۱۴۲۶ق).
- ۶۶- مترجم ناشناخته (قرن دهم)، *ترجمه قرآن*، به کوشش: علی رواقی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه نشر آثار، (۱۳۸۳ش).
- ۶۷- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، *ترجمه قرآن*، قم: بوستان کتاب، (۱۳۸۵ش).
- ۶۸- مشکینی اردبیلی، علی، *ترجمه قرآن (مشکینی)*، قم: نشر الهادی، چاپ دوم، (۱۳۸۱ش).
- ۶۹- مصباح‌زاده، عباس، *ترجمه قرآن (مصباح‌زاده)*، تهران: بدرقه جاویدان، (۱۳۸۰ش).
- ۷۰- مصطفوی، سیدحسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۶۸ش).
- ۷۱- معرفت، محمد هادی، *تفسیر و مفسران*، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، (۱۳۷۹ش).

- ۷۲- معزی، محمدکاظم، ترجمه قرآن (معزی)، قم: اسوه، (۱۳۷۲ش).
- ۷۳- مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن (مکارم)، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ دوم، (۱۳۷۳ش).
- ۷۴- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دهم، (۱۳۷۱ش).
- ۷۵- مکی بن حموش، مشکل اعراب القرآن، مصحح: یاسین محمد سواس، بیروت: دارالیمامة، چاپ سوم، (۱۴۲۳ق).
- ۷۶- موسوی گرمارودی، علی، ترجمه قرآن (گرمارودی)، تهران: قدیانی، چاپ دوم، (۱۳۸۴ش).
- ۷۷- نسفی، عبدالله بن احمد، مدارك التنزيل و حقائق التاویل، بیروت: دارالفائس، (۱۴۱۶ق).
- ۷۸- یاسری، محمود، ترجمه قرآن (یاسری)، محقق: مهدی حائری تهرانی، قم: بنیاد فرهنگی امام مهدی (ع)، (۱۴۱۵ق).